

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۰۶ دسامبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت چهل و ششم

در سجده روم صورت زیبای تو بوسم
آن جا بروم گریه کنان جای تو بوسم

ای کاش تو باز آیی و من پای تو بوسم
هر جا که برفتی و دمی جای گرفتی



فصل هفتم

(Chapitre VII)

نمونه یا طرح گسترش و توسعه شورش در داخل یک قلمرو

مُدل و نمونهٔ وسعت درگیری ها در یک قلمرو را که شورشیان علیه دولت در بین سال های 2002 - 2009 میلادی اختیار نموده اند، اساس و بنیاد آن برخاسته از میراث جهاد سال های 1980 میلادی علیه شوروی ها می باشد. منشاء این گسترش و توسعه موجودیت اعضای شبکه ها در تعداد زیاد مناطق افغانستان است.

از طرف دیگر تحلیل نمودن فهرست حملات که شورشیان به آن مبادرت می ورزند، نشان می دهد که طرز العمل شورشیان از نقطهٔ نظر سیاسی و اجتماعی، عواقب مختلف بر ارتباطات ملیشه های شورشی و قطعات وسیع مردم دارد. تضعیف ساختار های اجتماعی قبلی نظر به مناطق متفاوت می باشد.

همچنین تکمیل نمودن عملیه های ترکیب دوباره به دُور اشخاص زورمند جدید در سطح محل متنوع می باشد.

مشاهدات از این تفاوت های تشریح کننده، تنوع مقاومت مردم در مقابل رخنه نمودن طالبان در مناطق شان را نشان می دهد. فکتور های مختلف برای تشریح نمودن این پدیده ها وجود دارد، اما تضاد بین ولایات سرحدی با یک کشور همسایه و ولایات محصور شده، تعیین کننده به نظر می خورد.

در ولایات سرحدی، درآمد از سبب موجودیت قاچاق و نقاط کنترل عبوری بالای سرحد، به حیث نتیجه، پدیدار شدن ساختار قدرت های مقاوم و قوی گردیده، برخلاف در ولایات محصور شده، دارای درآمد بسیار ضعیف می باشند.

تناقضات در طرح پیشروی و گسترش:

دینامیک های بسیج نمودن در ولایات لهوگر و وردک اتکاء بالای طبقه بندی بین «هسته مرکزی یا هستهٔ خشن» «noyau dur» دارد که دارای ایدیولوژی افراطی می باشند که همانا شاگردان مدارس هستند، و دیگر کتلهٔ مردم که شورشیان موفق به جلب نمودن رضایت شان بعد از مذاکره با بزرگان، و یا احتمالاً در صورت امتناع نمودن با تهدیدات به دست می آورند.

ضعف و ناتوانی دولت در سطح محل به صورت بسیار واضح تشریح کنندهٔ سهولت برای شورشیان جهت جلب و جذب مردم محل می باشد.

با آن هم، آیا دلایل دیگر وجود ندارد؟

آیا در داخل بافت جامعه که مردم تشکیل کننده آن می باشد، خصوصیت ها، مشخصات و حتی مردمان که لطمه و صدمه دیده اند، وجود دارد که شورشیان از آن بهره برداری نموده و به اشخاص زورمند محل تبدیل می شوند؟

یقیناً از تمام این نواقص که عبارت از کمبود اتحاد و انسجام در سطح محل می باشد شورشیان بهره می برند، اما آیا تنها دلالت به عضویت ساده یک گروه می نماید؟ معمولاً، چطور شده است که یک اجتماع و لیدرشف سنتی شان که همانا بزرگان می باشند امروز تضعیف شده اند.

در اثر پدیده های ترکیبات دوباره اجتماعی که از سه دهه درگیری ها در کشور روان است، جای خود را برای بازیگران که سلوک و روش شان تشریح کننده گسترش علنی اغتشاش علیه دولت از سال 2002 میلادی به این سو می باشد. به هیچ وجه نمی توانیم موجودیت عضویت یک تعداد از قطعات مردم را نظر به اوضاع که از طریق یک شورا انتخاب شده اند، انکار نمائیم. اما فرضیه ای که قرار آن، تمایل به عضویت تنها ارتباط می گیرد به گروه هائی که دارای مکانیزم های اند که برای شان اجازه این گونه رفتار را می دهد. فلذا دلالت به گروه های می کند که توسط دینامیک های برخواسته از جهاد علیه شوروی ها آسیب ندیده باشند، که لازم است تا در این مورد تحقیق و مطالعه صورت گیرد.

فلذا شرح و معلومات تجربی که در مورد این نوع گروه ها به دسترس است، مخصوصاً بعضی از اقوام در ولایات مانند، لوی پکتیا و پکتیا (منگل و جاجی مخصوصاً)، دقیقاً نشان دهنده این نوع اشتراک به صورت کتله بی نمی باشد. برعکس، حفاظت و نگهداری، از قسمتی از میکائیزم های سنتی اجازه اداره نمودن زندگی سیاسی گروه را در مقابل بازیگران بیرونی (دولت، تأسیسات سیاسی - نظامی میراث جهاد، تنظیم ها و یا شورشیان) یک فکتور قوی مقاومت در مقابل جنبش است.

برعکس، ساحات سیاسی و اجتماعی که در آن جا شورشیان هیچ نوع مشکلات برای مستقر شدن شان ندارند و به مجرد نفوذ نمودن شان در آن جا فعال می باشند، محلات می باشند که مشخصاً ضعف در داخل گروه های اتحاد و همبستگی موجود باشد.

مناطق شرقی کشور یک مثال بارز می باشد. ولایت لغمان، ولسوالی سروبی، ولسوالی تگاب و به یک درجه کمتر ولسوالی نجراب مثال های این نوع مشخصات می باشند. در این مناطق شورشیان بالای شبکه های سابقه حزب اسلامی گلبدین حکمتیار (HIG) اتکاء دارند. پس تهداب جایگزینی و

یا جایگیر شدن این اخیر الذکر اقوام اند که از حالت قبایلی برآمده اند و از چندین قوم تشکیل شده اند، و یا پشتون های اند که قبلاً توسط دولت برای ضعیف ساختن شان بیجا شده بودند. تمرکز دادن و جهت دادن کار در سطح محل خود را در عملیه های سیاسی و اجتماعی خاص در شرایط محل گنجانیده است.

در شرق و شمال - شرق کشور (ولایات لغمان، کنر و ننگرهار)، تهداب جاگزینی شورشیان مطابقت می کند به تهداب حزب اسلامی گلبدین حکمتیار. در ولایت ننگرهار مخصوصاً در ولسوالی های چپرهار و پچیرواگام، که در آن جا شورشیان بسیار زیاد جای گرفته اند، مطابقت می کند به مناطق مستقر شدن اعراب در زمان حکمروایی برهان الدین ربانی در طول سال های 1990 میلادی.

ولسوالی خوگیانی و پنج ولسوالی دیگر که منطقه شینواری ها می باشد، شورشیان کمتر در آن جا ها جای گزین هستند. بعد از سال 2002 میلادی ظاهر شدن خشونت های مسلحانه تنها به نزاع و کشمکش های گروه های رقیب مربوط می شد. که این نزاع و کشمکش ها زیادتر بالای درگیری های محلی مربوط به آب، زمین و یا زن تعلق داشت، که این نزاع ها، دشمنی های شخصی نامیده می شوند، و یا بعضاً مخالفت ها بین قومندان های محلی رقیب به وقوع می پیوست.

علامه های نخستین نارضایتی در سال 2004 میلادی در ولسوالی اچین به تعقیب دو رویداد کاملاً مشخص به وجود آمد: تلاشی منازل شخصی توسط قوای نظامی امریکایی از یک طرف و گرفتن اهتمامات برای نابودی و محو نمودن کشت کوکنار و تولید تریاک از طرف دیگر، تشکیل دهنده دلایل عمده بودند. این رفتار آن ها، بزرگان قومی و بزرگان گروه های اجتماعی را متأثر ساخت و سبب ظاهر شدن خصومت ها گردید.

در مرحله دوم، خشونت های هدفمند علیه چهره های مختلف افراد دولتی محلی تظاهر گردید و بعداً یک دوره خشونت های دوره بی که سیر صعودی را پیموده و بالاخره چند ماه بعد به بسته شدن راه سترایژیکی جلال آباد - کابل انجامید.

فلهذا، با وجودی که در ولایت ننگرهار هواداران شورشیان بسیار ضعیف هستند، اما بلند رفتن درگیری پدیده های از قبل موجود را با تغییر شکل همراهی می کند.

گفت و گو ها با خانم های که از جمله اعضای پرسونل یک مؤسسه غیر دولتی بین المللی می باشند که در این ولسوالی ها فعال اند، و وظیفه شان، داشتن مسئولیت برای برقراری ارتباطات

باشندگان محل با پروگرام های انکشافی بود، نشان می دهد که چگونه مفهوم عزت و ناموس و جهاد دفاعی استعمال شده اند، برای افشاء نمودن دولت در یک وضع بلند رفتن درگیری ها. نمونه گسترش شورش در داخل یک قلمرو نشان می دهد که اساس و بنیاد سیاسی و اجتماعی که بالای آن فعالیت های شورشی ها علیه دولت استعمال می گردد، وابسته به دینامیک های درگیری ها می باشند.

ما دیدیم که چگونه ترکیب دوباره تحریک طالبان افغان، اولین نفوذ نمودن و وسعت یافتن تدریجی شان، تأثیرات بالای طبیعت چند هویتی شورشیان علیه دولت دارد. برعلاوه ما نیز دیدیم که چگونه بالاتر از شکل بندی های مختلف سیاسی و اجتماعی که در قلمرو افغانستان ظاهر می گردد، این اخیر الذکر قبل از همه توسط یک ترکیب سنجیده و موشگافانه بین عناصر بیرونی خود را مشخص می سازد ، بین اقتدار های سیاسی و اجتماعی محلات و موجودیت شبکه های کمکی که برای شان اجازه اولین نفوذ نمودن را می دهد. دینامیک که این درگیری ها را همراهی می کند، ارتباط می گیرد به دو طبیعت بودن جنبش، که در عین زمان که بیرونی می باشند در داخل نیز نقاط اتکاء و کمکی دارند.

ادامه دارد